

بررسی داستان مدیر مدرسه جلال آل احمد براساس فرانقش‌های نظریه نقش‌گرای هلیدی

مجله علمی پژوهش در علوم انسانی و مطالعات اجتماعی (سال ششم)
شماره ۲۲ / زمستان ۱۳۹۹ / ص ۳۴-۱۹

زهره مهدی پور^۱

^۱ فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد زبان‌شناسی - دانشگاه رازی کرمانشاه

نویسنده مسئول:

زهره مهدی پور

چکیده

زبان‌شناسی نقش‌گرا یکی از سه نگرش غالب در زبان‌شناسی نظری است که دستور نظام‌مند یکی از زیرمجموعه‌های مختلف آن محسوب می‌شود. چارچوب نظری این پژوهش را اصولی تشکیل می‌دهد که هلیدی در فصل چهارم کتاب خود، درآمدی بر دستور نقش‌گرا، با عنوان نقش‌بند در مبادله معرفی می‌کند. بند به عنوان مبادله در فرانقش بینافردی مطرح می‌شود. از این منظر بند در واقع مبادله و انتقال بین گوینده و شنونده است. فاعل نیز عنصری است که گوینده اعتبار گزاره‌ایی که بیان می‌کند را منوط و منسوب به آن می‌داند. این پژوهش تبیین و تحلیل چگونگی کارآمد بودن نظریه نقش‌گرای هلیدی در بررسی داستان مدیر مدرسه را دنبال می‌کند. دستور نقش‌گرا روش مناسبی برای تحلیل آثار ادبی از منظر اندیشگانی، بینافردی و متنی می‌باشد. تحلیل سه ساخت اندیشگانی، بینافردی و متنی تحقق سه لایه سبکی به حساب می‌آید؛ به گونه‌ای که هر لایه در ساخت خود بسامدهایی را به همراه دارد. این پژوهش با استناد به نظریه زبان‌شناسی نقش‌گرا و رهیافت گرایش دستور نظام‌مند هلیدی، به تحلیل و بررسی سبک داستان «مدیر مدرسه» پرداخته است. سؤال پژوهش حاضر این است که نویسنده داستان «مدیر مدرسه» از کدام یک از فرانقش‌های هلیدی بیشتر استفاده کرده است؟ فرضیه پژوهشگران این است که فرانقش اندیشگانی یا تجربی در این داستان پربسامدتر بوده و نویسنده از آن برای شخصیت‌پردازی بیشتر بهره گرفته است. پژوهش حاضر نشان می‌دهد در این داستان کاربرد فرایند مادی بیش از سایر فرایندهاست که در ساخت اندیشگانی، بسامد بالاتر فرایندهای رابطه‌ای و مادی نشان‌دهنده آن است که نویسنده آنچه در ذهن داشته به وسیله عوامل شناسا، ویژگی و کنش‌پذیر به خواننده القا کرده و سپس با آوردن فرایندهای مادی نوعی تهییج در مخاطب بوجود آورده است.

کلید واژه: دستور نقش‌گرای هلیدی، مدیر مدرسه، جلال آل احمد.

۱. مقدمه

زبان‌شناسی نقش‌گرا توسط زبان‌شناس معاصر، هلیدی^۱ مطرح شده است. هلیدی زبان را به عنوان سیستمی نشانه‌ای توصیف می‌کند که نه به معنی سیستمی از نشانه‌ها بلکه منبعی نظام‌مند برای معنی است. از دید هلیدی زبان معنی بالقوه یا، از دیدگاه زبان‌شناسی، مطالعه چگونگی تبادل معنی بین افراد از طریق به کارگیری زبان است. وی زبان را بعنوان یک نظام معنایی به همراه صورت‌های زبانی می‌داند که از طریق آن صورت‌ها معنا مشخص می‌شود. در این نظام بافت^۲ دارای جایگاه ویژه‌ای است و بر این اساس هر واحد گفتاری و یا نوشتاری دارای سه خاستگاه اندیشگانی، بینافردی و یا متنی است (هالیدی، ۱۹۹۴: ۴۴). برخلاف صورت‌گرایان که زبان را متشکل از ساختارهایی می‌دانند که بین آنها روابط منطقی برقرار است، از منظر نقش‌گرایان زبان نظامی برای ایجاد ارتباط است. اهمیت رویکرد نقش‌گرایانه در مطالعه ادبیات داستانی نیز از این جهت است، چرا که ما با خواندن یک اثر ادبی می‌توانیم با آن ارتباط برقرار کنیم و برداشت‌های ذهنی و درونی داشته باشیم. منتقد یا تحلیلگر متون داستانی می‌تواند با استفاده از وجه تا حدی به دنیای ذهنی نویسنده نزدیک شود، نگرش او را به پدیده‌های پیرامون مورد بازبینی قرار دهد و گرایش‌های فردی و اجتماعی او و نوع تعاملش با مخاطبان را شناسایی کند. از این رو است که در بخش تحلیل داده‌های این پژوهش وجه را در فرانش‌ها ذکر کرده‌ایم. سؤال پژوهش حاضر این است که نویسنده داستان "مدیر مدرسه" از کدام یک از فرانش‌های هلیدی بیشتر استفاده کرده است؟ فرضیه پژوهشگران این است که فرانش اندیشگانی یا تجربی در این داستان پربسامدتر بوده و نویسنده از آن برای شخصیت‌پردازی بیشتر بهره جسته است. در فرانش بینافردی زبان به برقراری، حفظ و تثبیت و تنظیم روابط اجتماعی می‌پردازد و کنش متقابل میان مردمان را رقم می‌زند. در فرانش متنی با استفاده از زبان پیام خود را به شیوه‌ای سازمان‌بندی می‌کنیم تا چگونگی همسازی‌اش با پیام‌های دیگر و بافت‌های بزرگتری را که از آن و در آن صحبت می‌کنیم یا می‌نویسیم بیان کند (تامپسون، ۲۰۰۴: ۲۹۵-۳۲۵). در این پژوهش سعی داریم که در قالب پنج بخش به تبیین و تحلیل چگونگی کارآمد بودن نظریه نقش‌گرای هلیدی در تحلیل اثر ادبی "مدیر مدرسه" نوشته جلال آل احمد بپردازیم. در بخش‌های اول تا سوم به معرفی، اهداف و مبانی نظری پژوهش و در بخش چهارم و پنجم به تحلیل داده‌ها و نتیجه‌گیری مباحث می‌پردازیم. پیش از وارد شدن به بخش‌های بعدی لازم است به منظور آشنایی بیشتر خوانندگان، اشاره‌ای اجمالی به داستان مدیر مدرسه و نویسنده آن داشته باشیم:

"جلال آل احمد در ۲ آذر ۱۳۰۲ در تهران به دنیا آمد. در ۱۳۲۳ به حزب توده پیوست و سه سال بعد در انشعابی جنجالی از آن کناره گرفت. وی نخستین مجموعه داستان خود به نام «دید و بازدید» را در همین دوران منتشر کرده بود. شاید مهمترین ویژگی ادبی آل احمد نثر او بود. نثری فشرده و موجز و در عین حال عصبی و پرخاشگر که نمونه‌های خوب آن را در سفرنامه‌های او مثل «خسی در میقات» و یا داستان زندگینامه «سنگی بر گوری» می‌توان دید. جلال آل احمد در ۱۸ شهریور ۱۳۴۸ در اسالم گیلان درگذشت. مدیر مدرسه به قلم جلال آل احمد در سال ۱۳۳۷ شمسی انتشار یافت. این رمان واگویی‌هایی از یک جامعه بسته نمادین «مدرسه» از منظر شخصی روشنفکر است که جو حاکم و فضای ادبی و سیاسی معاصر را روایت می‌کند. مدیر مدرسه از جمله کارهای آل احمد است که بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ نوشته شد."

۲. پیشینه پژوهش

بخش پیشینه پژوهش به دو زیربخش تقسیم می‌شود. زیربخش نخست به بررسی پژوهش‌های داخلی و زیربخش بعدی به پژوهش‌های خارجی می‌پردازد.

مهاجر و نبوی (۱۳۷۶) در کتاب «به سوی زبان‌شناسی شعر "رهیافتی نقش‌گرا"»، طرح‌واره‌ای از انگاره‌ای زبان‌شناختی؛ یعنی زبان‌شناسی نظام‌مند نقش‌گرا که به دست هلیدی ساخته و پرداخته شده است، ارائه کردند.

آقاگل‌زاده (۱۳۸۴) در مقاله «کاربرد آموزه‌های زبان‌شناسی نقش‌گرا در تجزیه و تحلیل متون ادبی» به بیان و توضیح این نظریه پرداخته و تنها به کاربرد این تئوری بر متون ادبی اشاره دارد.

صفوی (۱۳۸۶) در کتاب «از زبان‌شناسی به ادبیات» مروری کرده است بر ملاحظات نظری از قبیل ساخت‌گرایی، نشانه زبان، روابط همنشینی و جانشینی مسایل زبانی و ادبی و گونه‌های زبان ادبی. فصل اول این کتاب در شش بخش به توضیح نظریات ساخت‌گرایی، صورت‌گرایی، نقش‌های شش‌گانه زبان از دیدگاه یاکوبسن و نقش ادبی زبان پرداخته است. همچنین ایشان در فصول بعدی، پیشینه

¹ M. Halliday

² Context

مطالعات زبان‌شناختی ادبیات که از بزرگانی همچون سوسور که گام اول و مبانی زبان‌شناختی را به محکمی برداشت یاد نموده است. راه‌های چگونگی بازنمایی زبان‌شناسی در ادبیات فارسی جهت گشودن بسیاری از رازهای نگاشته زبان فارسی هدف از نوشتن این کتاب است که ثابت کند آنچه به سنت مطالعات ادبی در زمینه آفرینش شعر باز می‌گردد بر مبنای علمی استوار است.

ابوالحسنی چیمه و میرمالک ثانی (۱۳۸۷) در مقاله «بررسی کتاب‌های درسی دانشگاهی براساس نظریه نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی و مقایسه آن با متون همسان غیر درسی»، کتاب‌های درسی و غیردرسی دانشگاهی علوم انسانی و علوم پایه را براساس نظریه نقش‌گرای نظام‌مند بررسی کرده و نتیجه گرفته‌اند که میان توزیع درصد فراوانی فرایندهای کتاب‌های درسی و غیردرسی متعلق به یک شاخه علمی با گرایش‌ها و موضوعات مختلف تفاوت معناداری وجود ندارد. اما تفاوت معنادار موجود میان توزیع درصد فراوانی فرایندها در کتاب‌های درسی و غیردرسی دو رشته علوم انسانی و علوم پایه حاکی از آن است که فرایندهای انتخاب شده در متن کتاب‌های مربوط به دو رشته کاملاً متفاوت هستند.

خلیل نژاد^۱ و داوری اردکانی^۲ (۲۰۱۴) در مقاله خود با عنوان «مدیر یا پدر؟ بررسی داستان مدیر مدرسه براساس تحلیل گفتمان انتقادی» بیان می‌کنند تحلیل گفتمان انتقادی اجزایی از گفتمان که در سلسله مراتب قدرت مخفی شده را مورد بررسی قرار می‌دهد. این پژوهش داستان مدیر مدرسه اثر جلال آل احمد را بر پایه شاخص‌های پژوهش ون لیوون یعنی مجهول‌سازی و معلوم‌سازی، فاعل‌سازی و مقوله‌سازی، شخصی‌سازی و غیرشخصی‌سازی مورد تحلیل قرار داده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که چطور بررسی صورت زبان‌شناختی در فهم دانش عمیق نویسنده داستان که تلاش بر تسکین رنج‌های مردم دارد مورد استفاده قرار می‌گیرد، در حالی که همین مردم هیچگونه کارکرد قابل توجهی ندارند.

باتلر^۳ (۲۰۰۳) ویژگی‌های دستور نظام‌مند نقش‌گرای هلیدی را این گونه برشمرد:

– اصلی‌ترین ویژگی آن زبان را وسیله ارتباط دانستن است.

– وی استقلال زبان را رد می‌کند و کل دستور را با انگیزش‌های کارکردی مربوط می‌داند.

– توجه به معنا در آن از اهمیت به‌سزایی برخوردار است؛ تا جایی که خود از آن به عنوان دستور واژگانی یاد می‌کند. از دیدگاه باتلر (۲۰۰۳) در دستور مدنظر هلیدی تفاوت صریحی بین معنی، نحو و کاربرد مشاهده نمی‌شود.

۳. چارچوب نظری پژوهش

در طول دو دهه گذشته، شاخه‌های متعددی از زبان‌شناسی نقش‌گرا پدید آمده است که یکی از این شاخه‌ها نظریه سازواره‌ای-نقشی و نظریه هلیدی می‌باشد. دستور نقش‌گرا به این دلیل نظام‌مند نامیده می‌شود که زبان را شبکه‌ای از نظام‌ها یا به عبارتی مجموعه بهم مرتبطی از انتخاب‌ها^۴ می‌داند که معنا را می‌سازد. در واقع دستور نقش‌گرای هلیدی در درجه اول به انتخاب‌هایی می‌پردازد که دستور زبان در اختیار گوینده یا نویسنده قرار می‌دهد. این انتخاب‌ها این امکان را به گوینده یا نویسنده می‌دهد که صورت‌های مختلف زبانی را عینیت بخشند (هلیدی و متیسن^۵، ۲۰۱۴: ۴-۳).

فرانقش‌های زبانی هلیدی به سه قسمت تقسیم می‌شوند:

۳-۱. فرانقش تجربی^۶: بر پایه این فرانقش ما از زبان برای صحبت کردن در مورد تجربیات خود از جهان هم جهان بیرون ذهن و هم جهان درون ذهن استفاده و رویدادها، حالت‌ها و عناصر دخیل را توصیف می‌کنیم. در این نوع فرانقش آنچه که اهمیت دارد محتوای پیام در بافت مورد نظر است. هنگام تحلیل متن از نقطه نظر تجربی توجه به این نکته ضروری در حال وقوع است؛ آیا رویداد مورد نظر به طور عینی قابل تجربه است و یا فرایندی است ذهنی و غیر ملموس، آیا ممکن است دست به انتخاب بزنی و رویدادی را به دلخواه خود به صورت عینی یا ذهنی بیان کنیم. از آنجا که در فرانقش تجربی، رویداد در مرکز توجه قرار دارد این نوع معنی تجلی حوزه کلام است (مهاجر و نبوی، ۱۳۷۶: ۱۱۲).

M. KHalilnejad¹
N. Davari Ardakani²
C. S. Butler³

Choices⁴

M. I. M. Matthiessen⁵

Ideational⁶

با بررسی ساختار گذرایی متن می‌توان به الگوبندی نویسنده از فرایندهای گوناگون، بسامد استفاده از هر فرایند و هدف نویسنده از انتخاب فرایندی خاص به عنوان فرایند غالب و پربسامد در داستان در جهت القای ایده‌ای خاص پی برد. همچنین می‌توان شیوه الگوبندی فرایندها را در شعر نویسندگان مختلف مقایسه کرد؛ و یا حتی با بررسی نحوه به کارگیری فرایندها توسط شاعری گونه‌ها و دوره‌های متمایز شعرش را شناسایی کرد.

در تحلیل آثار بر مبنای نقش اندیشگانی می‌توان به این نتیجه رسید که از راه بررسی نوع و بسامد فرایندهای انتخاب شده فضای کلی حاکم بر اثر پدیدار می‌شود. برای مثال، تحلیل نقش اندیشگانی در شعر «مهتاب» نیما یوشیج حاکی از وقوع پربسامد فرایند مادی و فقدان فرایند رفتاری است. فقدان این فرایند در ساختار این شعر- که همه آرزوی شاعر آن است که کسی تحرکی و جنبشی داشته باشد- بسیار پرمعناست. در این فضای مرده و بی تحرک طبیعی است که از هیچ کس هیچ عمل زیستی و یا فیزیولوژیک سر نزند و این امر در الگوبندی شاعر از فرایندهای نظام گذرایی شعر هشیارانه لحاظ شده است (مهاجر و نبوی، ۱۳۷۶: ۱۱۲).

۲-۳. فرانش بینافردی^۱: در چارچوب این فرانش از زبان برای تعامل با دیگر افراد، برقراری رابطه و حفظ این رابطه با آنها، تحت تأثیر قرار دادن رفتار سایرین، بیان دیدگاه شخصی خود و درک یا تغییر دیدگاه‌های دیگران استفاده می‌کنیم. در این نوع فرانش این فاعل است که اهمیت دارد. از آنجا که در این نوع معنی شرکت‌کننده‌ها و نگرش‌های آنها مورد توجه‌اند معنای بینافردی، تجلی فحوای کلام است (هلیدی و متیسن، ۲۰۱۴: ۲۱۰).

۳-۳. فرانش متنی^۲: در این فرانش به شیوه سازماندهی پیام‌ها پرداخته می‌شود. ما پیام‌های خود را به شیوه‌ای سازماندهی می‌کنیم که با پیام‌های قبلی و بعدی خود و بافت وسیع مرتبط با آنها سازگاری داشته باشد. سازمان‌بندی زبانی پیام به شیوه کلام مربوط می‌شود (هلیدی و متیسن، ۲۰۱۴: ۲۱۴).

۴. تحلیل داده‌ها

در این بخش از پژوهش به تحلیل متن داستان «مدیر مدرسه» جلال آل احمد بر اساس دستور نقش‌گرای هلیدی می‌پردازیم و فرانش‌های اندیشگانی، بینافردی و متنی در این داستان را بررسی می‌نماییم تا در بخش پنجم که نتیجه‌گیری نام دارد با استفاده از تحلیل‌های داده‌ها در بخش چهارم به سؤال پژوهش پاسخ داده و فرضیه را مورد واکاوی قرار دهیم. با توجه به محدودیت حجم مقاله برای هر کدام از انواع فرانش‌های زبانی ۵ نمونه را از متن داستان "مدیر مدرسه" انتخاب کرده‌ایم.

پیش از ورود به تحلیل داستان مدیر مدرسه، براساس فرانش‌های نظریه نقش‌گرای هلیدی، لازم است توضیحات مختصری در مورد تمایز این رویکرد با تحلیل گفتمان انتقادی ارائه شود. خلیل نژاد و داوری اردکانی (۲۰۱۴) نشان دهند که چه طور تحلیل ویژگی‌های زبان‌شناختی نتایج داستان‌ها می‌تواند دستاوردهای چشمگیری در فهم عقاید پنهان نویسندگان داستان‌ها داشته باشد. از دیدگاه این پژوهشگران سبک آل احمد واقع‌گرایانه است و از سوی دیگر داستان مدیر مدرسه براساس به چالش کشیدن وضعیت جامعه عصرنویسنده و همچنین مقابله نویسنده داستان، جلال آل احمد، با حکومت وقت و طبقه مرفه است. نکته برجسته این داستان از دیدگاه خلیل نژاد و داوری اردکانی (۲۰۱۴) تلفیق دیدگاه‌های اجتماعی-سیاسی نویسنده همراه با توصیف واقع‌گرایانه از جامعه است.

۴-۱. تحلیل داده‌ها مبتنی بر فرانش اندیشگانی (تجربی)

ساخت اندیشگانی بند، تجلی‌گاه بازنمود واقعیت است. ما واقعیت را چیزی در بردارنده کنش‌ها، رویدادها، احساس‌ها و هستی و وجودها می‌دانیم. تقسیم‌بندی واقعیت به صورت این فرایندها در نظام معنایی زبان صورت می‌گیرد و از طریق دستور بند بیان می‌شود (سامنی، ۱۳۹۴: ۸۵). هلیدی می‌کوشد فرایندهای جهان بیرون را بازشناسی و طبقه‌بندی کند. در یک تقسیم‌بندی کلی ابتدا همه فرایندها در دو طبقه فرایندهای درونی و فرایندهای بیرونی قرار می‌گیرند. فرایندهای درونی محصول تجربه‌های بیرونی و فرایندهای بیرونی محصول تجربه‌های بیرونی‌اند.

در تقسیم‌بندی دستوری به فرایندهای اول فرایندهای ذهنی و به گروه دوم فرایندهای مادی می‌گویند. هلیدی به یک طبقه‌بندی جدید با شش فرایند اصلی می‌رسد.

Interpersonal¹

Textual²

فرانقش اندیشگانی اولین نقش زبان است که برای بیان محتوا به کار می‌رود. همانطور که در بخش سوم اشاره شد این نقش بیانگر تجربه متکلم از جهان خارج و همچنین دنیای درونی است. نقشی است که به انسان فرهنگی امکان می‌دهد تجارب فردی و اجتماعی خود را در قالب آن رمزگذاری کند. به کمک این نقش است که گوینده یا نویسنده به تجربیاتش از پدیده‌های جهان واقعی تجسم می‌بخشد. پیش از وارد شدن به سیر تحول انواع فرایندها در فرانقش اندیشگانی و توضیح آنها با استناد به داده‌های انتخاب شده از متن داستان «مدیر مدرسه»، انواع فرایندها تعریف می‌شود. زبان در ساده‌ترین سطح خود جهان را به صورت مجموعه‌ای از رویدادهای در حال جریان (فعل‌ها) بیان می‌کند که شامل چیزهایی (اسم‌ها) می‌شوند که می‌توانند از ویژگی‌های خاصی (صفات) برخوردار باشند و تمامی اینها می‌توانند دارای جزئیات پس‌زمینه‌ای مانند مکان، زمان، حالت (قیود) باشند. پس یک جمله می‌تواند از فعل، اسم، صفت و قید تشکیل شده باشد. در صورت استفاده از برجسب‌های نقشی می‌توانیم محتوای بند را در چارچوب فرایندهایی تعریف کنیم که شامل شرکت‌کننده‌هایی می‌شوند که در موقعیت‌های مشخصی در فرایند مورد نظر دخیل‌اند. مانند مثال زیر:

پدر	پسر	رشید	را	به آرامی	بوسید
اسم	اسم	صفت		قید	فعل
شرکت کننده	شرکت کننده			عنصر موقعیتی	فرایند

فرایندها به سه گروه اصلی مادی، ذهنی و رابطه‌ای تقسیم می‌شوند و در مرز این فرایندها سه فرایند فرعی رفتاری، وجودی و بیانی قرار می‌گیرد. در کل می‌توان گفت در فرانقش تجربی یا اندیشگانی تجارب بیرون و درون فرد در قالب شش فرایند فوق مقوله‌بندی می‌شوند و نمی‌توان فعلی یا عملی را خارج از این شش نوع فرایند متصور شد (هلیدی و متیسن، ۲۰۱۴: ۲۱۴). هلیدی و متیسن (۲۰۱۴) در مرز میان فرایندهای مادی و ذهنی، فرایندهای رفتاری^۱ را شناسایی کرده‌اند. فرایندهایی که تجلی بیرونی فعالیت‌ها و عملکردهای درونی را نشان می‌دهند. در مرز میان فرایندهای ذهنی و رابطه‌ای، فرایندهای بیانی^۲ عنوان گردیده‌اند؛ روابط نمادین میان درک افراد بشر و تجلی آن در زبان مانند گفتن، منظور داشتن. در مرز میان فرایندهای رابطه‌ای و مادی فرایندهایی قرار دارند که با وجود داشتن سر و کار دارند. فرایندهای وجودی^۳ فرایندهایی هستند که وجود انواع پدیده‌ها با آنها شناسایی و تعیین می‌شود. فرایندها معمولاً از طریق گروه فعلی بیان و از دیدگاه تجربی مؤلفه اصلی پیام محسوب می‌شوند. هر بند اصلی معمولاً حداقل شامل یک شرکت‌کننده است که عموماً توسط گروه اسمی محقق می‌شود.

۴-۱-۱. فرایند مادی^۴

در انتهای بخش ۴-۱ انواع فرایندها به صورت تخصصی در دستور نقش‌گرا تعریف گردید. فرایندها عمل یا انجام کار هستند و بر انجام شدن کاری دلالت می‌کنند. فرایندهای مادی لزوماً رخدادهای فیزیکی نیستند بلکه ممکن است اعمال یا رخدادهای انتزاعی را نیز شامل شوند. فرایندهای مادی می‌توانند وقتی که بندی معلوم باشد و نه مجهول مشارک دوم (مفعول) داشته باشند و در بندهای مجهول مشارک اول (کنشگر) و مشارک دوم که کنش بر آن واقع می‌شود؛ یعنی کنش‌پذیر هستند. به مثال زیر در این خصوص توجه بفرمایید:

کنش‌گر	کنش‌پذیر	فرایند مادی
رئیس اداره فرهنگ	استعفای مدیر مدرسه را	نپذیرفت.
دبیر جدید	----- --	اخراج شد.

این فرایند بر انجام اعمال فیزیکی نیز دلالت دارد مانند: نوشتن، خلق کردن، ساختن و غیره.

نمونه ۱: و سیگارم را توی زیر سیگاری براق روی میزش تکاندم (صفحه ۵).

نمونه ۲: این بود که از پیش رئیس فرهنگ صاف برگشتم به کارگزینی کل (صفحه ۹).

¹Behavioral process

²Verbal process

³Existential process

⁴Material Process

نمونه ۳: دست کردم و یک پنج تومانی روی میز گذاشتم (صفحه ۱۴).
نمونه ۴: تا معلمها از جا بجنبند توی ایوان قرم زدم و بعد رفتم تو (صفحه ۱۵).
نمونه ۵: بی اختیار به دیوار دست کشیدم (صفحه ۱۷).

۴-۱-۲ فرایند ذهنی^۱

فرایند ذهنی معانی ذهنی مانند احساس، ادراک و غیره را شامل می شود و از آنجا که به گونه ای به شعور، احساس، درک و فهم باز می گردد همیشه یکی از مشارکان آن انسان یا انسان نماست؛ مشارکی که می اندیشد و احساس می کند، این فرایندها همواره دو مشارک دارند. مشارک اول مدرک^۲ و مشارک دوم پدیده^۳ می باشد. این مشارک می تواند ماهیت انتزاعی داشته باشد. هلیدی از گونه خاصی از فرایندهای ذهنی سخن می گوید که تشخیص آنها دقت بیشتری می طلبد. این فرایندها در حقیقت صورت دگرگون شده دیگر فرایندهای ذهنی هستند. این فرایند مربوط به افعال حس کردنی است و چیزی در درون اتاق ذهن اتفاق می افتد که در این فرایند افعالی نظیر فکر کردن، دوست داشتن، تصور کردن، خواستن، دیدن مشاهده می گردد.

نمونه ۱: زورم آمد سلام کنم (صفحه ۵)

نمونه ۲: حوصله این اباطیل را نداشتم (صفحه ۵)

نمونه ۳: تحمل این یکی را نداشتم (صفحه ۵).

نمونه ۴: بله این فکرها را همان روز کردم که ناشناس به مدرسه سر زدم (صفحه ۸).

نمونه ۵: همان روز واریسی فهمیده بودم که مدیر قبلی مدرسه زندانی است (صفحه ۸).

۴-۱-۳ فرایند رابطه ای^۴

فرایند رابطه ای بر چگونگی «بودن» چیزها و پدیدارها اشاره دارد و این امر را یا از رهگذر کیفیتی که به آنها نسبت می دهد، یا به واسطه بیان موقعیت زمانی- مکانی مرتبط با آنها، و یا از طریق بیان تملکی که در آن وجود دارد صورت می دهد و این اغلب با فعل «بودن» بیان می شود. این فرایند به دو گونه است؛ در گونه اول که می توان آن را «گونه شناسایی» نامید نوعی رابطه همسانی در دو سوی رابطه دیده می شود. در این گونه، دو مشارک حضور دارند که دو سوی رابطه را تشکیل می دهند؛ «شناسا» که هویت مشارک دیگر را که «شناخته» خوانده می شود، تبیین می کند.

این فرایندها غالباً با صورت های تصریفی مختلف فعل "بودن" بیان می شوند و خود به دو نوع متفاوت قابل تقسیم اند؛ وصفی^۵ و شناسایی^۶.

در نوع وصفی یک پدیده و یک صفت بهم پیوند می خورند. در این نوع فقط یک مشارک در دنیای خارج وجود دارد که «حامل»^۷ نام می گیرد و مشارک دیگر «ویژگی»^۸ خوانده می شود. در نوع شناسایی در دو سوی رابطه گونه ای همسانی دیده می شود؛ به گونه ای که دو سوی رابطه می تواند جای خود را با هم عوض کند. فعل در این فرایندها نقش علامت تساوی را بازی می کند. در این نوع دو مشارک وجود دارد؛ شناسا^۹ و شناخته^۱ که اولی هویت دومی را مشخص می کند (هلیدی، ۱۹۹۴: دیباچه).

Mental Process¹

Sensor²

Phenomenon³

Relational Process⁴

Attributive⁵

Identifying⁶

Carrier⁷

Attribute⁸

Identifier⁹

دیدن گیوه‌های پاره‌شان	دردناک بود
شناسا	شناخته
مدرسه	در دامنه کوه تنها افتاده بود
حامل	ویژگی

این فرایند رابطه‌ای میان دو مفهوم برقرار می‌کند که با افعالی مانند به نظر رسیدن، بودن و شدن می‌آیند.

نمونه ۱: همان روز واریسی فهمیده بودم که مدیر قبلی مدرسه زندانی است (صفحه ۸).

نمونه ۲: می‌شد حدس زد که چنین آدمی فقط سر کلاس اول جرأت حرف زدن دارد (صفحه ۱۲).

نمونه ۳: قبلاً فکر کرده بودم که می‌روم و فارغ از دردرس اداره کلاس در اتاق را روی خودم می‌بندم و کار خودم را می‌کنم (صفحه ۱۴).

نمونه ۴: ناظم، جوان رشیدی بود که بلند حرف می‌زد و به راحتی امر و نهی می‌کرد (صفحه ۱۱).

نمونه ۵: کلاس چهارم که معلمش لای گچ توی بیمارستان بود (صفحه ۸۵).

۴-۱-۴. فرایند رفتاری^۲

فرایند رفتاری در برگیرنده رفتارهای گوناگون جسمی و روانی یک موجود جاندار یا جاندار پنداشته شده است. این فرایند فقط دارای یک مشارک است که «رفتارگر» خوانده می‌شود؛

مثال ۱: رییس فرهنگ عرق‌ریزان از راه رسید.

مثال ۲: ناظم از لای در آهسته خزید تو.

در مثال‌های بالا، «رییس فرهنگ» و «ناظم» رفتارگر اند.

این فرایند حد واسط فرایند ذهنی و فرایند مادی است. بعضی از فرایندهای ذهنی در عالم واقعیت فرایندهایی موازی خود دارند. برای مثال «دیدن» یک فرایند ذهنی و «زل زدن» یک فرایند رفتاری است.

به صورت خلاصه، فرایند رفتاری مربوط به فرایند روان‌شناختی فیزیکی است مانند: تماشا کردن، زل زدن، سرفه کردن و غیره.

نمونه ۱: زورکی غبغب می‌انداخت و حرفش را آهسته توی چشم آدم میزد (صفحه ۶).

نمونه ۲: با هر جیغ کوتاهی که می‌زد هرهر می‌خندید (صفحه ۱۲).

نمونه ۳: چشم‌هایش برق عجیبی می‌زد (صفحه ۱۲).

نمونه ۴: ششمی‌ها در گوش هم پچ می‌کردن (صفحه ۱۴).

نمونه ۵: صاف توی چشمم نگاه می‌کرد (صفحه ۱۵).

۴-۱-۵. فرایند بیانی^۳

فرایند بیانی با فعل‌های مترادف «گفتن» می‌آید. گفتن، عمل فیزیکی است که فعالیتی ذهنی را نشان می‌دهد. این فرایندها که غالباً در بندهای مرکب ظاهر می‌شوند دو مشارک دارند:

مشارک اول گوینده است که گاهی به قرینه حذف می‌شود.

مشارک دوم که ممکن است حضور داشته باشد، مخاطب نام دارد. آن چیزی را که گفته می‌شود «گفته» می‌نامند.

گونه‌ای از فرایندهای کلامی هستند که بار نمادین دارند برای مثال؛

مثال ۱. ساعت برنامه می‌گوید که باید خداحافظی کنیم.

«می‌گوید» در بند بالا فرایند کلامی شمرده می‌شود. بنابراین ساعت را باید «گوینده» بدانیم و بند را یک بند نمادین.

به صورت خلاصه، یک فرد مطلبی را می‌گوید و فرد دیگر دریافت می‌کند و با افعالی مثل گفتن، اعلام کردن و پرسیدن می‌آید.

نمونه ۱: همراهانم را معرفی کردم (صفحه ۴۸).

نمونه ۲: سرم را از پنجره کردم تو و احسننتی گفتم و رد شدم (صفحه ۱۸).

نمونه ۳: می‌گند نمیشه پول دولت رو تو ملک دیگرون خرج کرد (صفحه ۲۰).

Identified¹

Behavioral Process²

Verbal Process³

نمونه ۴: راست هم می‌گند، ملک فرهنگ که به این آلودگی همیشه (صفحه ۲۰).
نمونه ۵: خلاصه کردم و گفتم که حاضرم همهٔ اختیارات را به او بدهم (صفحه ۲۰).

۴-۱-۶. فرایند وجودی^۱

به مجموعه‌ای از فعالیت‌ها یا کارها و یا تحولات «فرایند» گفته می‌شود. همانطور که در بخش ۴-۱ اشاره شد فرایندهای وجودی فرایندهایی هستند که وجود انواع پدیده‌ها با آنها شناسایی و تعیین می‌شود. فرایندهای وجودی هستی و وجود پدیده‌ای را بیان می‌کنند و فقط یک مشارک دارند که «موجود» خوانده می‌شود. فعل این فرایندها نیز معمولاً از مشتقات «بودن» است. نقش فرایندهای وجودی این است که وجود یک پدیده را اعلام کنند تا آنگاه دربارهٔ آن صحبت شود (هلیدی، ۱۹۹۴: ۱۴۲-۱۴۴).

این فرایند وجود یا واقع شدن چیزی را نشان می‌دهد و در افعالی مانند ظاهر شدن و باقی ماندن نمود می‌یابد.
نمونه ۱: چقدر باید زندگی‌اش خالی از مرد باشد که این‌طور طالب استنشاق هوایی بشود که آدم‌های بی‌دست و پایی مثل معلم‌ها در آن نفس می‌کشند (صفحه ۸۷).

نمونه ۲: در اتاقم را باز کردم داشتم دماغم را با بوی خاک نم‌کشیده‌اش اخت می‌کردم که آخرین معلم هم آمد (صفحه ۲۷).

نمونه ۳: خودم هم وقتی معلم بودم به این مرض دچار بودم (صفحه ۸۴).

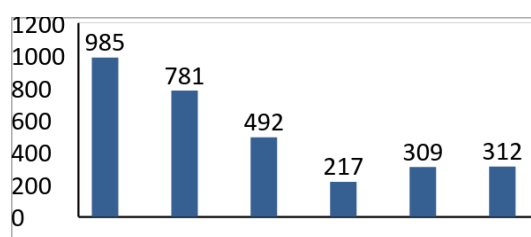
نمونه ۴: یک فراش دیگر از اداره فرهنگ خواستم که هر روز منتظر ورودش بودیم (صفحه ۳۳).

نمونه ۵: اگر خطری ازین نظر وجود داشت همان صبح‌ها بود که من هم مدرسه بودم (صفحه ۳۳).

جدول ۴-۱: درصد کاربرد انواع فرایندهای فرانقش‌اندیشگانی در کتاب مدیر مدرسه جلال آل احمد

	انواع فرایندهای اندیشگانی	تعداد	درصد
1	فرایند مادی	985	31.81%
2	فرایند ذهنی	781	25.22%
3	فرایند رابطه‌ای	492	15.89%
4	فرایند رفتاری	217	7%
5	فرایند بیانی	309	9.98%
6	فرایند وجودی	312	10.07%
7	مجموع فرایندها	3096	100%

نمودار ۴-۱: میزان کاربرد انواع فرایندهای فرانقش‌اندیشگانی در کتاب مدیر مدرسه جلال آل احمد



با توجه به تحلیل داده‌های پژوهش در مورد بررسی فرانقش‌های اندیشگانی در متن داستان مدیر مدرسه ۶ نوع فرایند مادی، ذهنی، رابطه‌ای، رفتاری، بیانی و وجودی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفتند که مشخص گردید در مجموع ۳۰۹۳ فرایند فرانقش‌اندیشگانی در متن داستان وجود دارد که از این تعداد فرایند مادی دارای بیشترین بسامد کاربرد ۹۸۵ مورد و فرایند رفتاری با بسامد ۲۱۷ دارای کمترین کاربرد در متن داستان می‌باشد.

۴-۱-۲. تحلیل داده‌ها مبتنی بر فرانقش بینافردی

فرانقش بینافردی ناظر بر روابط حاکم بین متکلم و مخاطب/ مخاطبان، میزان آشنایی و درجهٔ صمیمیت آنان و عواملی از این دست است.

۴-۱-۲-۱. تعامل پیشنهادی

در تعامل پیشنهادی گوینده پاره‌گفتار/جمله‌ای را مطرح می‌کند و مایل است مخاطب آن را تأیید کند. این تأیید چه به صورت کلامی و چه غیرکلامی موجب می‌شود گفتگو ادامه پیدا کند.

نمونه ۱:

ناظم: آقای مدیر اصلاً دوستی سرشون نمیشه، تویی می‌خوان.

مدیر: صحیح می‌فرمایید، این بار به من ببخشید (صفحه ۱۹).

نمونه ۲:

ناظم: دردسر عجیبی شده آقا. تا حالا صد تا کاغذ به اداره نوشتیم آقا. میگند نمیشه پول دولت رو تو ملک دیگرون خرج کرد.

مدیر: راست هم میگند (صفحه ۲۰).

نمونه ۳:

مدیر: اما نه اینقدر که مدرسه تعطیل بشود خانم، بنده هیچکاره‌ام.

معلم: اختیار دارید (صفحه ۸۸).

نمونه ۴:

ناظم: دیدید آقا چطور باهامون رفتار کردند؟ با یکی از قالی‌هاش آقا تمام مدرسه را می‌خرد.

مدیر: تا سر کارت با الف ب است، بپا قیاس نکنی. خودخوری میاره.

معلم کلاس چهارم: آگه فحشمون هم می‌دادند، من باز هم راضی بودم. باید واقع‌بین بود (صفحه ۵۲).

۴-۱-۲-۲. تعامل پرسشی

در تعامل پرسشی، پرسشی مطرح می‌گردد و مخاطب به آن پاسخ می‌دهد این تعامل نیز دو طرفه و پویا است.

نمونه ۱:

این جمله را بلند گفتم: «عجب کار بچه‌های مردم درآمده!».

ناظم پرسید: «چطور آقا؟» (صفحه ۱۷)

نمونه ۲:

پرسیدم: «تا بحال با این سالن چه می‌کردید؟»

ناظم: «هیچی» (صفحه ۱۷).

نمونه ۳:

مدیر: انگار هنوز دو تا از کلاس‌ها ولند؟

ناظم: بله آقا، کلاس سوم ورزش دارند (صفحه ۲۵).

نمونه ۴:

مدیر: گفتم مگه باز هم هستند؟

ناظم: آره آقا، پس چی! (صفحه ۲۶).

نمونه ۵:

مدیر: چرا تا حالا پاکش نکردی؟

ناظم: به! آخه آقا آدم درد و دلش رو واسه کی بگه؟ آخه آقا در میان تو روی آدم میگند جاسوس، مأمور! (صفحه ۲۶).

۴-۱-۲-۳. تعامل خبری

در تعامل خبری فقط خبری داده می‌شود و منتظر پاسخی از سوی مخاطب نیستیم تعامل یک‌طرفه و غیرپویا است.

نمونه ۱: ناظم، جوان رشیدی بود که بلند حرف می‌زد و به راحتی امر و نهی می‌کرد (صفحه ۱۱).

نمونه ۲: از آنهایی که اگر توی کوچه ببینی خیال می‌کنی مدیرکل است (صفحه ۱۱).

نمونه ۳: می‌شد حدس زد که چنین آدمی فقط سر کلاس اول جرات حرف زدن دارد (صفحه ۱۲).

نمونه ۴: پیراهن نارنجی به تن داشت و تند بزک کرده بود (صفحه ۸۶).

نمونه ۵: جلوتر که رسید حتی شنیدم که سوت می‌زد (صفحه ۲۳).

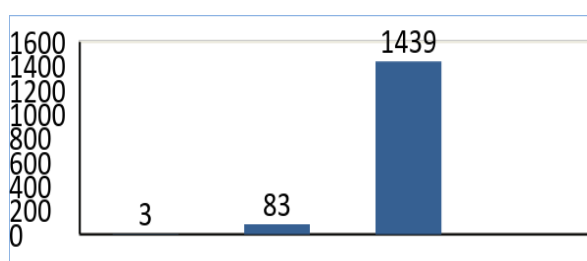
۴-۱-۲-۵. تعامل امری

در تعامل امری گوینده به مخاطب حکم می‌کند که کاری را انجام دهد و مخاطب ملزم به اطاعت است. این تعامل دوطرفه و پویاست. در این پژوهش نمونه‌ای از تعامل امری در داده‌های تحقیق یافت نشد.

جدول ۴-۲ درصد کاربرد انواع تعاملات فرانش بینافردی در کتاب مدیر مدرسه جلال آل احمد

انواع تعاملات بینافردی	تعداد	درصد
۱ پیشنهادی	3	0.19%
۲ پرسشی	83	5.44%
۳ خبری	1439	94.36%
۴ امری	0	0%
۵ مجموع تعاملات	1525	100%

نمودار ۴-۲: میزان کاربرد انواع تعاملات فرانش بینافردی در کتاب مدیر مدرسه جلال آل احمد



با توجه به تحلیل داده‌های پژوهش در مورد بررسی فرانش‌های بینافردی در متن داستان مدیر مدرسه ۴ نوع تعامل پیشنهادی، پرسشی، امری و خبری مورد بررسی و تحلیل قرار گرفتند که مشخص گردید در مجموع ۱۵۲۵ فرایند فرانش بینافردی در متن داستان وجود دارد که از این تعداد تعامل خبری دارای بیشترین بسامد کاربرد ۱۴۳۹ مورد و تعامل امری با بسامد ۰ دارای کمترین کاربرد در متن داستان می‌باشد.

۴-۱-۳ فرانش متنی

فرانش متنی ارتباط دهنده دو فرانش اندیشگانی و بینافردی است. ما در این فرانش به شیوه سازماندهی پیام‌ها می‌پردازیم به گونه‌ای که با پیام‌های پیشین و بعدی خود و بافت وسیع مرتبط با آنها سازگاری داشته باشد. سازمان‌بندی زبانی پیام به شیوه کلام مربوط می‌شود.

۴-۱-۳-۱ کاربرد فرایندهای زبانی

الف- ساده‌سازی جملات (حذف فعل از جمله)

به منظور انتقال سریع‌تر مفهوم پیام، افعال حذف می‌شود.

نمونه ۱: تابلوی مدرسه هم حسابی و بزرگ و خوانا (صفحه ۷).

نمونه ۲: درندشت و بی آب و آبادانی (صفحه ۷).

نمونه ۳: با تهریشی و سر ماشین کرده‌ای و یخه بسته‌ای (صفحه ۱۲).

نمونه ۴: شبیه میرزا بنویس‌های دم پستخانه (صفحه ۱۱).

نمونه ۵: اصفهانی بود و از آن قاچاق‌ها (صفحه ۱۳).

۴-۱-۳-۲ کاربرد پیش مرجعی

ارجاعات دو دسته‌اند، ارجاع درون‌متنی^۱ و ارجاع برون‌متنی^۲.

^۱ endophoric references

^۲ exophoric references

به ارجاع برون‌متنی، ارجاع موقعیتی^۱ هم می‌گویند، مانند Look at that! ارجاع درون‌متنی به دو دسته تقسیم می‌شود روابط پس‌مرجعی^۲ و روابط پیش‌مرجعی^۳. در روابط پس‌مرجعی جهت تعیین معنی ضمیر یا عبارت ارجاعی باید از آن نقطه‌ای در جمله که ضمیر یا عبارت ارجاعی وجود دارد، به قبل از آن باشد تا مرجع ضمیر مربوطه را تشخیص داد. به بیان دیگر، در روابط پس‌مرجعی اول مرجع ضمیر و سپس خود ضمیر می‌آید (سامنی، ۱۳۹۴: ۷۰). برای مثال در جمله زیر

Look at the sun. It's going down quickly.

در این مثال it را عنصر ارجاعی^۴ می‌نامند که معنی آن the sun است. در روابط پیش‌مرجعی برای تعیین معنی ضمیر یا عبارت ارجاعی باید از آن نقطه‌ای در جمله که ضمیر یا عنصر ارجاعی وجود دارد به بعد از آن مراجعه کرد تا بتوان مرجع ضمیر مربوط را شناسایی کرد (سامنی، ۱۳۹۴: ۷۰). به عبارت دیگر، در روابط پیش‌مرجعی ابتدا ضمیر و سپس مرجع ضمیر می‌آید، مانند جمله زیر:

It's going down quickly, the sun.

- نمونه ۱: مقطع حرف می‌زد، یعنی بریده بریده (حرف می‌زد) (صفحه ۱۲).
- نمونه ۲: هر جایی می‌توانست بهشت باشد و هر کاری باب میل (باشد) (صفحه ۱۳).
- نمونه ۳: زن داشت و بچه‌ای که حتما بیش از حد لزوم همبازی داشت و نود تومان حقوق (داشت) (صفحه ۱۵).
- نمونه ۴: پدرش دو تا زن داشته، از اولی دو تا پسر (داشته) (صفحه ۱۶).
- نمونه ۵: قسمت بالای حیاط تور والیبال بود و دور حیاط دیواری بلند (بود) (صفحه ۱۹).
- ۳-۱-۴. کاربرد زبان محاوره و اصطلاحات
- گوینده در جمله/پاره‌گفتار خود از ضرب‌المثل‌هایی استفاده می‌کند تا مفهوم پیام خود را با حداقل صورت زبانی منتقل کند.
- نمونه ۱: حق دارند جایی بخوابند که زیرشان آب نرود (صفحه ۸).
- نمونه ۲: لابد کله‌اش بوی قرمه‌سبزی می‌داده (صفحه ۸).
- نمونه ۳: یا خودش نکرده یا آهنگری در بلخ (صفحه ۸).
- نمونه ۴: حسابی موی دماغ شده بود (صفحه ۴۱).
- نمونه ۵: یکی اینکه جای معلم‌های پیر و پاتال زمان خودمان عجب خالی بود! (صفحه ۷۷).

۴-۳-۴. کاربرد افعال ساده

- استفاده از افعال ساده موجب می‌شود مخاطب پیام صورت زبانی را سریع‌تر درک کند.
- نمونه ۱: کلاس چهارم که معلمش لای گچ توی بیمارستان بود (صفحه ۸۵).
- نمونه ۲: مدیر هم که باشی باز باید تمرین کنی (صفحه ۸۶).
- نمونه ۳: آخه چرا با او حرف نزدی؟ (صفحه ۹۳).
- نمونه ۴: این بود که باز افتادم دنبال رئیس فرهنگ (صفحه ۱۱۹).
- نمونه ۵: جلوتر که رسید حتی شنیدم که سوت می‌زد (صفحه ۲۳).

جدول ۳-۴: درصد کاربرد انواع فرایندهای زبانی در فرائض متنی در کتاب مدیر مدرسه جلال آل احمد

انواع فرایندهای زبانی	تعداد	درصد
۱ ساده‌سازی جملات	274	14.70%
۲ کاربرد پیش‌مرجعی	157	8.42%
۳ کاربرد زبان محاوره و اصطلاحات	389	20.88%
۴ کاربرد افعال ساده	1043	55.98%
۵ مجموع	1863	100%

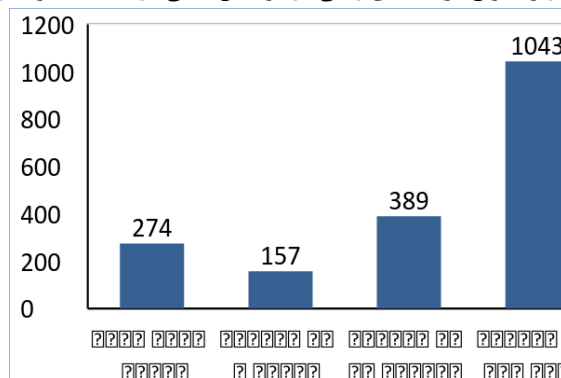
¹situational references

²anaphoric relations

³cataphoric relations

⁴anaphora

نمودار ۳-۴: میزان کاربرد انواع فرایندهای زبانی در فرانش متن در کتاب مدیر مدرسه جلال آل احمد



با توجه به تحلیل داده‌های پژوهش در مورد بررسی فرانش‌های متنی در متن داستان مدیر مدرسه ۴ نوع فرایند زبانی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفتند که مشخص گردید در مجموع ۱۸۶۳ فرایند فرانش متنی در متن داستان وجود دارد که از این تعداد کاربرد افعال ساده دارای بیشترین بسامد کاربرد ۱۰۴۳ مورد و کاربرد پیش‌مرجعی با بسامد ۱۵۷ مورد دارای کمترین کاربرد در متن داستان می‌باشد.

۴-۱-۴. بررسی انواع وجه^۱

منتقد با تحلیل شعر بر مبنای ساختار بینافردی و توجه به نوع کنش‌های کلامی و نیز وجه بندها و زمان می‌تواند به امکانات و ابزارهای صوری و نحوه استفاده نویسنده یا شاعر از این امکانات جهت واکاوی زوایای مختلف متن دست یابد. همچنین می‌تواند تا حدی به دنیای ذهنی نویسنده نزدیک شود، نگرش او را به پدیده‌های پیرامون مورد بازبینی قرار دهد و گرایش‌های فردی و اجتماعی او و نوع تعاملش با مخاطبان را شناسایی کند. از این رو است که در این پژوهش وجه را در فرانش‌ها ذکر کرده‌ایم. برای مثال، شفیع کدکنی (۱۳۵۹) درباره شعر فروغ می‌نویسد:

"همه چیز در شعر فروغ لرزان است. او هیچ وقت نمی‌گوید مضطربم، او اضطراب را به شما نشان می‌دهد و این اضطراب را در اِپیت‌های شعر او می‌توان احساس کرد که پیوسته از «رشته سست طناب رخت» و «حجم سفید لیز» و «سایه مغشوش» و «طرح سرگردان» و «دست‌های مغشوش، مضطرب، ترسان» و «کوچه‌های گیج» و «عطر گذران» و «جریان‌های مغشوش» آب روان و «شادی‌های مهجور» و «سایه بی اعتبار عشق» و «سایه فرار خوشبختی» سخن می‌گوید. یعنی حضور پرسامد افعال گذشته با وجه خبری در کنار استفهام انکاری. شاعر با انتخاب این زمان هرگونه گریزی را از فضای هولناک به تصویر درآمده ناممکن می‌کند."

بند در تبادلات نقش معنایی گزاره را دارد؛ در حالی که در تبادلات خدمات و اشیا نقش معنایی‌اش پیشنهاد است. برای تبادلات اطلاعات، معمولاً از وجه اخباری استفاده می‌شود که خود شامل وجه خبری و پرسشی است. در حالت بی‌نشان برای بند خبری از وجه خبری و برای پرسش از وجه پرسشی و برای فرمان از وجه امری استفاده می‌شود. رابطه بین کنش کلامی و وجه سخن، رابطه‌ای چندبند است و رابطه‌ای یک‌به‌یک نیست. به این معنی که یک وجه می‌تواند نمایانگر چندین کنش کلامی باشد و در مقابل، هر کنش کلامی می‌تواند از رهگذر چند وجه صورت گیرد (مهاجر و نبوی، ۱۳۷۶: ۵۱-۵۰).

۴-۱-۴-۱. خبری

گوینده از افعالی استفاده می‌کند که جمله را با وجه خبری به مخاطب ارسال می‌کند.

نمونه ۱: فردا صبح معلوم شد که ناظم دنبال کار مادرش بوده است (صفحه ۸۹).

نمونه ۲: از چشم‌های ناظم پیدا بود که شب نخوابیده است (صفحه ۸۹).

نمونه ۳: مدرسه را به معلم‌ها سپردیم و راه افتادیم (صفحه ۸۹).

نمونه ۴: فردا که به مدرسه آمدم ناظم سرحال بود (صفحه ۹۰).

نمونه ۵: فردا اصلاً مدرسه نرفتم (صفحه ۹۲).

۴-۱-۴-۲. پرسشی

- گوینده در قالب جملات/پاره گفتار پرسشی را مطرح و انتظار پاسخ از مخاطب را دارد.
- نمونه ۱: اگر مرا نمی‌دیدی هم اینطور می‌دویدی؟ (صفحه ۲۵).
- نمونه ۲: مدیر مدرسه کدام سگی است؟ (صفحه ۶۸).
- نمونه ۳: تو باز رفتی تو کوک مردم؟ (صفحه ۸۱).
- نمونه ۴: آخر چرا تصادف کردی؟ (صفحه ۷۱).
- نمونه ۵: آخر چرا؟ چرا این هیکل مدیر کلی را با خودت اینقدر این‌ور و آن‌ور بردی تا بزندت؟ (صفحه ۷۱).

۴-۱-۴-۳. التزامی

- وجه التزامی شک، ابهام و افسوس گذشته را نشان می‌دهد. این وجه برای بیان کردن حالت غیرواقعی، پشیمانی و شک استفاده می‌شود (ضیاحسینی و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۱۵).
- نمونه ۱: این تویی که روی تخت دراز کشیده‌ای! (صفحه ۷۳).
- نمونه ۲: فکر نمیکنی حالا دیگر مثل این لاشه منگنه شده رنگی از لبخند روی صورتت داری! (صفحه ۷۳).
- نمونه ۳: به این فکر بودم که اصلاً چرا آمدی؟! به تو چه! (صفحه ۷۴).
- نمونه ۴: به صرافت افتادم که دست کم چرا نپرسیدی که چه بلایی به سرش آمده؟! (صفحه ۷۴).
- نمونه ۵: مدرسه گل را می‌خواست چه کند؟! (صفحه ۷۸).

۴-۱-۴-۴. دعایی

- گوینده از عباراتی استفاده می‌کند که در بافت موقعیتی و فرهنگی زبان مبدأ دارای بار معنایی است.
- نمونه ۱: مرده‌شور این مملکت رو ببره! ساعت چهار تا حالا از این مرده خون میره (صفحه ۷۱).
- نمونه ۲: مبارکه! (صفحه ۹۱).
- نمونه ۳: عجب فرهنگ را با قرتیها انباشته بودند! بادابادا! (صفحه ۹۱).
- نمونه ۴: انشا... (صفحه ۱۱).
- نمونه ۵: التماس دعا (صفحه ۱۳۲).

۴-۱-۴-۵. امری

- جهت وجه به سوی مخاطب است یعنی این وجه مخاطب محور است (خیرآبادی و همکاران، ۱۳۹۵: ۶).
- نمونه ۱: خجالت بکش مرد! (صفحه ۱۲۰).
- نمونه ۲: می‌بینی احمق! (صفحه ۹۳).
- نمونه ۳: برو! (صفحه ۱۲۲).
- نمونه ۴: بده و بستان (صفحه ۱۲۳).
- نمونه ۵: باز هم باش! (صفحه ۱۲۴).

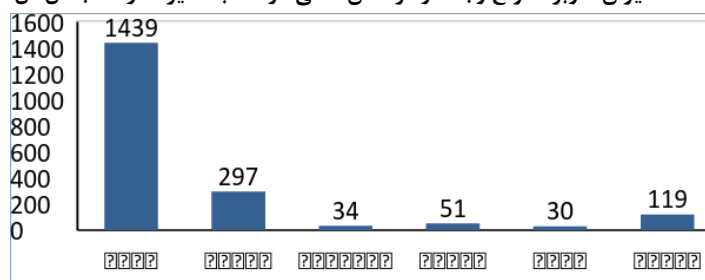
۴-۱-۴-۶. عاطفی

- گوینده شرایط عاطفی و احساسی خود را در قالب جملات و کلمات برای شنونده ارسال می‌کند (خیرآبادی و همکاران، ۱۳۹۵: ۶).
- نمونه ۱: حیف که این صدا را پای تخته سیاه خراب خواهد کرد (صفحه ۸۸).
- نمونه ۲: آخه من شنیده بودم شما با معلماتون خیلی خوب تا می‌کنید (صفحه ۸۸).
- نمونه ۳: دیگر دنیا به کام ناظم بود (صفحه ۱۰۱).
- نمونه ۴: هر روز صبح چشمه‌هایش چنان برقی می‌زد (صفحه ۱۰۲).
- نمونه ۵: خیلی کلافه بود (صفحه ۱۰۲).

جدول ۴-۴: درصد کاربرد انواع وجه در فرانش متنی در کتاب مدیر مدرسه جلال آل احمد

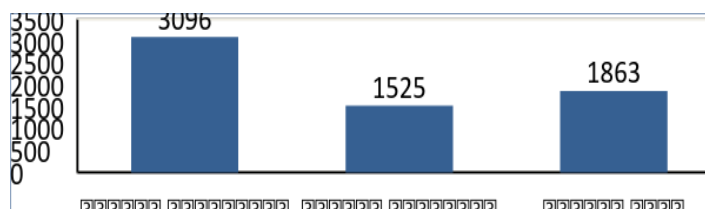
انواع وجه	تعداد	درصد
۱ خبری	1439	72.89%
۲ پرسشی	297	15.07%
۳ التزامی	34	1.72%
۴ دعایی	51	2.58%
۵ امری	30	1.52%
۶ عاطفی	119	6.04%
۷ مجموع	1970	100%

نمودار ۴-۴: میزان کاربرد انواع وجه در فرانش متنی در کتاب مدیر مدرسه جلال آل احمد



با توجه به تحلیل داده‌های پژوهش در مورد بررسی فرانش‌های متنی در متن داستان مدیر مدرسه ۴ نوع وجه در این پژوهش مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت که مشخص گردید در مجموع ۱۹۷۰ وجه در فرانش متنی در متن داستان وجود دارد که از این تعداد وجه خبری دارای بیشترین بسامد کاربرد ۱۴۳۹ مورد و کاربرد وجه امری با بسامد ۳۰ مورد دارای کمترین کاربرد در متن داستان می‌باشد.

نمودار ۴-۵: میزان کاربرد انواع فرانش‌ها بر اساس دیدگاه هلیدی در متن داستان مدیر مدرسه جلال آل احمد



با توجه به داده‌های پژوهش مشخص می‌گردد که کاربرد فرانش‌های اندیشگانی در متن داستان مدیر مدرسه جلال آل احمد بیشتر از فرانش‌های بینافردی و متنی است.

۵. نتیجه گیری

در این پژوهش روش گردآوری داده‌ها کتابخانه‌ای و روش بررسی داده‌ها توصیفی-تحلیلی است. همانطور که در بخش مقدمه نیز ذکر شد سؤال پژوهش حاضر این است که نویسندگان داستان "مدیر مدرسه" از کدام یک از فرانش‌های هلیدی بیشتر استفاده کرده است؟ فرضیه‌ای که پژوهشگران مبتنی بر سؤال پژوهش مطرح کردند این است که فرانش اندیشگانی یا تجربی در این داستان پربسامدتر است و نویسندگان از آن برای شخصیت‌پردازی بیشتر بهره جسته است. با توجه به تحلیل داده‌های پژوهش در مورد بررسی فرانش‌های اندیشگانی در متن داستان مدیر مدرسه ۶ نوع فرایند مادی، ذهنی، رابطه‌ای، رفتاری، بیانی و وجودی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفتند که مشخص گردید در مجموع ۳۰۹۳ فرایند فرانش اندیشگانی در متن داستان وجود دارد که از این تعداد فرایند مادی دارای بیشترین بسامد کاربرد ۹۸۵ مورد و فرایند رفتاری با بسامد ۲۱۷ دارای کمترین کاربرد در متن داستان می‌باشند. در مورد بررسی فرانش‌های بینافردی در متن مورد بررسی ۴ نوع تعامل پیشنهادی، پرسشی، امری و خبری مورد بررسی و تحلیل قرار گرفتند که مشخص گردید در مجموع ۱۵۲۵ فرایند فرانش بینافردی در متن داستان وجود دارد که از این تعداد تعامل خبری دارای بیشترین بسامد کاربرد ۱۴۳۹ مورد و تعامل امری با بسامد صفر دارای کمترین کاربرد در متن داستان می‌باشند. در بررسی فرانش‌های متنی ۴ نوع فرایند زبانی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفتند که مشخص گردید در مجموع ۱۸۶۳ فرایند فرانش متنی در متن داستان وجود دارد که از این تعداد کاربرد افعال ساده دارای بیشترین بسامد کاربرد ۱۰۴۳ مورد و کاربرد پیش‌مرجعی با بسامد ۱۵۷ مورد دارای کمترین کاربرد در متن داستان می‌باشند. در مورد بررسی فرانش‌های متنی نیز ۴ نوع وجه در این پژوهش مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت که مشخص گردید در مجموع ۱۹۷۰ وجه در فرانش متنی در متن داستان وجود دارد که از این تعداد وجه خبری دارای بیشترین بسامد کاربرد ۱۴۳۹ مورد و کاربرد وجه امری با بسامد ۳۰ مورد دارای کمترین کاربرد در متن داستان می‌باشند.

فرانش اندیشگانی یا تجربی در این داستان پربسامدتر است و نویسندگان از آن برای شخصیت‌پردازی بهره جسته است. از آنجا که این پژوهش بر روی یک متن منشور صورت گرفته است تأثیر موسیقی کلام در تحلیل متن تقریباً به صفر می‌رسد؛ زیرا هرگونه نظم آوایی و هماهنگی آواهای متن که در چارچوب موسیقی کلام می‌گنجد در این کتاب به چشم نمی‌خورد. در حقیقت متن داستان مدیر مدرسه فاقد عناصری چون وزن، قافیه، ردیف و هماهنگی‌های صوتی است که بتوان به آن توازن بخشیده و آن را از زبان روزمره جدا کرد. دوم آنکه عناصر خیال‌انگیزی چون استعاره و مجاز در متن واقع‌گرایانه‌ای همچون مدیر مدرسه دیده نمی‌شود و اگر هم باشد بسیار محدود است و کمکی به خواننده در تحلیل متن نمی‌کند. این کتاب بیش از هر چیزی اثری اجتماعی و فرهنگی است و با این وجود نمی‌توان مطالب فوق را دستاویزی برای نپرداختن به تحلیل نقش‌گرایی این اثر و دیگر آثار منشور قرار داد. یکی از اشکالات شعر وزن و قافیه‌دار این است که شاعر به طور همزمان نمی‌تواند بر امکانات نوظهوری همچون سه ساخت اندیشگانی، بینافردی و متنی متمرکز شود و تأثیرگذارترین ساخت ممکن را بوجود آورد چرا که همواره با محدودیت حاصل از وزن و قافیه روبروست.

با توجه به تحلیل داده‌ها که انجام گرفت مشخص گردید که فرانش اندیشگانی با بسامد کاربرد ۳۰۹۶ مورد دارای بیشترین فراوانی و فرانش بینافردی با ۱۵۲۵ مورد دارای کمترین بسامد کاربرد در متن داستان می‌باشد. در ساخت اندیشگانی فرد اطلاعات و دانش خود را با توجه به شناختی که از تجارب خود از جهان پیرامون کسب کرده بیان می‌کند. این نوع ساخت بیشتر نقش اطلاع‌رسانی و محتوایی دارد. در ساخت بینافردی گوینده با به کارگیری عبارات و مفاهیم مرسوم در آن فرهنگ سعی در برقراری ارتباط با مخاطب دارد و از این طریق نگرش خود را نسبت به پدیده‌ها بیان می‌کند که به شکل وجه در زبان متجلی می‌شود. در ساخت متنی گوینده متن را با شیوه‌ای خاص مثل استفاده از قیود تفسیری و یا اطلاعات نو^۱ و اطلاعات کهنه^۲ یا ساخت‌های آغازگر و پایان‌بخش به مخاطب منتقل می‌کند. در این داستان کاربرد فرایند مادی بیشتر از سایر فرایندهاست که در ساخت اندیشگانی، بسامد فرایندهای رابطه‌ای و مادی نشان‌دهنده آن است که نویسندگان آنچه در ذهن داشته به وسیله عوامل شناسا، ویژگی و کنش‌پذیر به خواننده القا کرده و سپس با آوردن فرایندهای مادی، نوعی تهییج و تحریص در مخاطب بوجود آورده است، بنابراین فرضیه اول تحقیق تأیید می‌گردد. همچنین وجه عاطفی با ۶۰۴ درصد کمترین کاربرد و وجه خبری با ۷۲.۸۹ درصد بیشترین کاربرد را دارد. تمامی کلمات و گفته‌هایی که دارای شکل ندایی و خطابي هستند دارای وجه عاطفی‌اند. در این وجه گوینده می‌تواند آن احساس را یا داشته باشد و یا نداشته باشد. اما فراوانی بالای وجه خبری نشان می‌دهد نویسندگان از جملات خبری که گونه اصلی جملات زبان‌اند استفاده کرده و هدف وی انتقال خبر از طریق جملات بوده است.

1 new information¹

2 old information²

منابع

- آل احمد، جلال. (۱۳۴۵)، مدیر مدرسه، تهران: نشر معیار علم.
- آقاگل زاده، فردوس. (۱۳۸۴). «کاربرد آموزه‌های زبان‌شناسی نقش‌گرا در تجزیه و تحلیل متون ادبی». تهران: مجموعه مقالات نشر پژوهش.
- ابوالحسنی و میرمالک ثانی. (۱۳۸۷). «بررسی کتابهای درسی دانشگاهی بر اساس نظریه نقش‌گرای نظاممند هلیدی و مقایسه آن با متون همسان غیر درسی». تهران: مجموعه مقالات نشر پژوهش.
- مهاجر، مهران و نبوی، محمد. (۱۳۷۶). به سوی زبان‌شناسی شعر (رهیافتی نقش‌گرا)، چاپ اول، تهران: نشر مرکز.
- میرزایی، آزاده و مولودی امیرسعید. (۱۳۹۴). «نخستین پیکره نقش‌های معنایی زبان فارسی»، مجموعه مقالات. تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- خیرآبادی، رضا و همکاران. (۱۳۹۵)، مقدمات زبان‌شناسی (با تمرکز بر رویکردهای بین رشته‌ای)، تهران: انتشارات کتابخانه فرهنگ
- سامنی، سامان. (۱۳۹۴). درآمدی بر تحلیل گفتمان. تهران: انتشارات ساکو.
- صفوی، کوروش. (۱۳۸۶). از زبان‌شناسی به ادبیات. تهران: انتشارات هرمس.
- ضیاحسینی، محمد و همکاران. (۱۳۹۱). «بررسی گفتمان «در انتظار گودو» اثر ساموئل بکت (یک تحلیل زبان‌شناختی)». تهران: مجموعه مقالات دومین هم‌اندیشی تحلیل گفتمان و کاربردشناسی، صفحات ۲۱۱-۲۳۳.

- Butler, C. S. (2003), Structure and Function: A Guide to Three Major Structural Functional Theories, part 1, Amsterdam, Philadelphia: John Benjamin Publishing Company.
- Halliday, M. A. K (1994). An Introduction to Functional Grammar. London: Edward Arnold.
- Halliday, M. A. K & Matthiessen (2014), Introduction to Functional Grammar, Routledge.
- KHalilnejad, M & Davari Ardakani, N (2014), Principal or Father? A survey of the Novel Modir-e Madreseh (The School Principal) Based on Critical Discourse Analysis, Journal Iranian Studies, Issues 4, Volume 48, P 591-600.
- Thompson (2004.) Discourse Description: Diverse Linguistic Analysis of a Fund-raising Text. 295-325. John Benjamins. Philadelphia.